

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: جایگاه مدارا در مدیریت از نگاه قرآن و نهج البلاغه
نویسنده / محقق: زینب جمدار زوزق
مترجم: ندارد
استاد راهنما: دکتر حمیدرضا بصیری / استاد مشاور / استاد داور: دکتر شعبانپور / دکتر اشرفی
کتابنامه: دارد واژه نامه: ندارد
نوع پایان نامه: <input type="checkbox"/> بنیادی <input type="checkbox"/> توسعه ای <input checked="" type="checkbox"/> کاربردی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد سال تحصیلی: ۹۱-۹۲
محل تحصیل: تهران نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات فارسی و زبان های خارجی
تعداد صفحات: ۱۶۴ گروه آموزشی: علوم قرآن و حدیث
کلید واژه ها به زبان فارسی: مدارا، مدیریت، قرآن، نهج البلاغه، معصومین (علیهم السلام)
کلید واژه ها به زبان انگلیسی: tolerance, management, Quran, nahj, infallible.

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف): مدارا یکی از اصول اخلاقی است که نقش قابل توجهی در مدیریت ایفاء می کند. به گونه ای که کمتر عاملی را می توان یافت که در این حد بتواند در ایجاد و تثبیت آرامش و موفقیت در مدیریت نقش ایفاء کند و نیز به دلیل وجود مشکلات مدیریتی و جهت رسیدن به مطلوب ضرورت این امر احساس می شود. در این تحقیق به بیان گسترده ی این مطلب پرداخته شده و بیان می شود که مدارا از عواملی است که می تواند نقش موثری در عرصه های مختلف مدیریت داشته باشد. جهت تبیین این مسئله لازم است از آیات قرآن و نهج البلاغه که اصول مدیریتی در آن ها نهفته است، کمک بگیریم.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها: یکی از اصول اساسی اخلاق مدیریتی مدارا با افراد است و نیز عامل پیشرفت و موفقیت در مدیریت محصول این امر است و برعکس، بسیاری از شکست ها نتیجه ی عدم بکارگیری این اصل در مدیریت می باشد.

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها: روش تحقیق ما به طور کامل کتابخانه ای می باشد. در این راه کتاب های فراوانی مورد مطالعه قرار گرفتند در بین این کتاب ها بسیاری بودند که از آن ها اخذ مطلب شد و بسیاری نیز در جهت بهتر انجام شدن تحقیق، پیرامون موضوع تحقیق مورد مطالعه قرار گرفت.

ت. یافته های تحقیق: پایه اصلی کار قرآن و نهج البلاغه می باشد که جهت شرح آن ها از کتب تفسیری و شروح نهج البلاغه استفاده شده است. البته کتاب های دیگری نیز مورد استفاده بوده است.

ث. نتیجه گیری و پیشنهادات: اگر تمامی مدیران با الگوپذیری از مدیران و الهام از آیات قرآنی و سفارش های امیرالمومنین از مدارا کمک بگیرند، می توانند مدیریت موفق را داشته باشند. انشاءالله!

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می

نمایم.

نام استاد راهنما:
سمت علمی:
نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:





دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان:

جایگاه مدارا در مدیریت از نگاه قرآن و نهج البلاغه

استاد راهنما: دکتر حمید رضا بصیری

استاد مشاور: دکتر محمد شعبانپور

دانشجو: زینب جمدارزنوزق

خرداد ۹۱

تقديم به

خانواده مهربان و دلسوزم

سپاسگزاری

خداوند منان را شاکرم که نعمت تحصیل را به من عطا کرده و همواره مرا مورد لطف و مرحمت خود قرار داده است.

از پدر و مادر عزیزتر از جانم که فداکاری، صبر و همراهی مشفقانه آن ها از ابتدای عمر همراهم بوده و هر آن چه که از نیکی در من است در سایه لطف و آرامشی است که برایم مهیا کرده اند، کمال تشکر را دارم.

از استاد ارجمندم، جناب آقای دکتر حمید رضا بصیری به خاطر راهنمایی های پربارشان که همواره روشن کننده مسیر این پژوهش بوده اند، صمیمانه سپاسگذارم.

هم چنین وظیفه خود می دانم از استاد محترم، آقای دکتر شعبانپور که از محضر گرامیشان استفاده کردم، قدردانی نمایم.

در نهایت از خداوند متعال برای تمامی عزیزان آرزوی سلامتی و سعادت دارم.

چکیده

در هر گروه و جامعه ای اعم از خانواده، جامعه، سازمان، اداره، زندگی اجتماعی و... مدیریت از عناصر ضروری محسوب می شود و مدارا یکی از ویژگی های مدیران موفق بحساب می آید. مدارا در مدیریت از مواردی است که در قرآن و نهج البلاغه بر آن تاکید زیادی شده و نسبت به مدیریت هایی که از این شیوه بهره گرفته اند - از جهت لزوم وجود مدارا در مدیریت و تاثیر مثبت و موفقیت آمیز آن در مدیریت - ارزش زیادی قائل شده است. در این رساله پس از مفهوم شناسی مدارا و مدیریت، به بیان گسترده ی آن پرداخته شده و بیان می شود که مدارا نقش و تاثیر قابل توجهی در عرصه های مختلف مدیریتی دارد. برای اثبات این مطلب نخست مفاهیم لغوی را بررسی نموده و آنگاه اصول مدارا در مدیریت، ارائه ی راهکارهایی جهت دست یابی به این شیوه ی مدیریتی، جایگاه شیوه ها و مظاهر مدارا در اقسام مختلف مدیریتی، آثار مترتب بر این عمل از منظر قرآن و نهج البلاغه تبیین گردیده است.

کلید واژه ها: مدارا، مدیریت، قرآن، نهج البلاغه، معصومین (علیهم السلام)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار
۱۱	گفتار نخست: مفهوم شناسی
۱۱	۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی مدارا
۱۳	۲-۱- معنای لغوی و اصطلاحی مدیریت
۱۴	۳-۱- تعریف مدارا در مدیریت
۱۶	۴-۱- مدارا و اصطلاحات مشابه
۱۶	۱-۴-۱- تساهل و تسامح
۱۷	۲-۴-۱- ریا
۱۸	۳-۴-۱- مهلة
۲۰	۴-۴-۱- رفق
۲۰	۵-۱- مدارا و واژگان متضاد
۲۲	خلاصه
۲۳	گفتار دوم: پیش نیازهای مدارا در مدیریت
۲۳	۱-۲- ملاک و معیار مدارا
۲۶	۲-۲- حدود مدارا
۲۷	۱-۲-۲- عموم افراد
۲۹	۲-۲-۲- عزت
۳۱	۳-۲-۲- اعتقادات
۳۲	۳-۲- مدارا در اقسام مدیریت

۳۲	۱-۳-۲ - مدارا در مدیریت خانواده
۳۴	۲-۳-۲ - مدارا در مدیریت اجتماعی
۳۵	۳-۳-۲ - مدارا در مدیریت فرهنگی
۳۸	۴-۳-۲ - مدارا در مدیریت سیاسی
۴۰	۴-۲ - دلایل نقلی و عقلی مدارا در مدیریت
۴۱	۱-۴-۲ - قرآن
۴۵	۲-۴-۲ - سنت
۴۵	۱-۲-۴-۲ - رفتار معصومین (علیهم السلام)
۴۷	۲-۲-۴-۲ - سفارش معصومین
۵۱	۳-۲-۴-۲ - درخواست معصومین (علیهم السلام)
۵۲	۳-۴-۲ - عقل
۵۳	۵-۲ - راه های دست یابی به خلق مدارا
۵۳	۱-۵-۲ - اعتقاد به سرای آخرت
۵۳	۲-۵-۲ - توجه به آثار مثبت مدارا
۵۴	۳-۵-۲ - تمرین و مراقبت
۵۴	۶-۲ - رذایل اخلاقی معارض با مدارا و راه های درمان
۵۴	۱-۶-۲ - غضب
۵۵	۱-۱-۶-۲ - مبارزه با عوامل خشم و غضب
۵۵	۲-۱-۶-۲ - ذکر "لا حولَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ"
۵۵	۳-۱-۶-۲ - صدقه دادن
۵۵	۴-۱-۶-۲ - سکوت
۵۶	۵-۱-۶-۲ - تغییر حالت وضعیت موجود
۵۶	۶-۱-۶-۲ - وضو
۵۶	۲-۶-۲ - تکبیر

۵۷	۲-۶-۲-۱- انجام اعمال عبادی
۵۷	۲-۶-۲-۲- توجه به اول و آخر خود
۵۸	۲-۶-۳- انتقام
۵۹	خلاصه
۶۱	گفتار سوم: مظاهر و شیوه های مدارا در مدیریت
۶۱	۳-۱- نقش تغافل در اقسام مدیریت
۶۹	۳-۱-۱- تغافل در مدیریت سیاسی
۶۹	۳-۱-۱-۱- موفقیت
۶۹	۳-۱-۱-۲- از بین رفتن کینه و دشمنی
۷۱	۳-۱-۲- تغافل در مدیریت فرهنگی
۷۱	۳-۱-۳- تغافل در مدیریت خانواده
۷۲	۳-۱-۴- تغافل در مدیریت اجتماعی
۷۳	۳-۲- مشورت
۷۶	۳-۲-۱- نقش مشورت در اقسام مدیریت
۷۶	۳-۲-۱-۱- آموزش عملی
۷۷	۳-۲-۱-۲- شناسایی افراد
۷۸	۳-۲-۱-۳- ایجاد و تقویت انگیزه
۷۹	۳-۲-۱-۴- حل مشکلات
۸۰	۳-۲-۱-۵- موفقیت
۸۱	۳-۲-۱-۶- دوری از ندامت و پشیمانی
۸۱	۳-۲-۱-۷- دوری از خطرات
۸۲	۳-۲-۱-۸- پشتیبانی
۸۳	۳-۲-۲- حدود مشورت

۸۹	۳-۳- نقش عفو در اقسام مدیریت
۹۳	۳-۳-۱- عفو در مدیریت اجتماعی
۹۳	۳-۳-۱-۱- اصلاح روابط بین فردی
۹۳	۳-۳-۱-۲- سلامتی و آرامش روح
۹۴	۳-۳-۲- عفو در مدیریت سیاسی
۹۴	۳-۳-۱-۲- اصلاح دشمن
۹۴	۳-۳-۲-۲- بقاء و دوام حکومت
۹۴	۳-۳-۳- عفو در مدیریت اجتماعی و اداری
۹۶	۳-۳-۴- حدود و شرایط عفو
۹۸	۳-۴- تقیه در مدیریت
۱۰۳	۳-۴-۱- تقیه در مدیریت فرهنگی
۱۰۳	۳-۴-۱-۱- حفظ دین
۱۰۵	۳-۴-۱-۲- حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان
۱۰۵	۳-۴-۱-۳- امنیت
۱۰۶	۳-۴-۱-۴- عزت نفس
۱۰۶	۳-۴-۲- تقیه در مدیریت اجتماعی
۱۰۶	۳-۴-۱-۲- ایمنی از کینه و پیشرفت
۱۰۷	۳-۴-۲-۲- تسلط بر امور
۱۰۷	۳-۵- نقش تواضع در اقسام مدیریت
۱۱۲	۳-۵-۱- تواضع در مدیریت اجتماعی
۱۱۲	۳-۵-۱-۱- برقراری محبت
۱۱۳	۳-۵-۱-۲- تنظیم امور زندگی
۱۱۳	۳-۵-۱-۳- ایمنی از حسادت

- ۱۱۴ ۳-۵-۱-۴- ایجاد همکاری
- ۱۱۴ ۳-۵-۱-۵- تسهیل روابط اجتماعی
- ۱۱۵ ۳-۵-۲- تواضع در مدیریت فرهنگی
- ۱۱۵ ۳-۵-۲-۱- نشر فضیلت
- ۱۱۵ ۳-۵-۲-۲- پیشرفت علم و تربیت
- ۱۱۶ ۳-۵-۲-۳- تربیت و اصلاح
- ۱۱۷ ۳-۵-۲-۴- امید به هدایت افراد
- ۱۱۸ ۳-۵-۳- تواضع در مدیریت خانواده
- ۱۱۸ ۳-۵-۳-۱- احساس رضایت از زندگی
- ۱۱۹ ۳-۵-۳-۲- رفع کدورت و ایجاد صمیمیت
- ۱۲۰ ۳-۶- صبر و تحمل در مدیریت
- ۱۲۷ ۳-۶-۱- علائم شرح صدر
- ۱۲۸ ۳-۶-۲- نقش صبر و تحمل در اقسام مدیریت
- ۱۲۸ ۳-۶-۲-۱- اصلاح و تربیت
- ۱۲۹ ۳-۶-۲-۲- رهایی از حرج
- ۱۳۰ ۳-۶-۲-۳- حفظ وحدت و گسترش اسلام
- ۱۳۲ ۳-۶-۴- حل مشکلات
- ۱۳۳ ۳-۶-۵- کاهش خشم و خشونت
- ۱۳۴ خلاصه
- ۱۳۶ **گفتار چهارم: آثار و نتایج مدارا در مدیریت**
- ۱۳۶ ۴-۱- آثار دنیوی
- ۱۳۶ ۴-۱-۱- آثار سیاسی
- ۱۳۶ ۴-۱-۱-۱- وحدت و انسجام امت
- ۱۳۷ ۴-۱-۱-۲- برقراری امنیت

۱۳۸	۴-۱-۱-۳- حفظ و بقای امت و جامعه
۱۳۹	۴-۱-۲- آثار فرهنگی
۱۳۹	۴-۱-۲-۱- گرایش و جذب مردم به اسلام
۱۴۱	۴-۱-۲-۲- تربیت و اصلاح رفتار افراد
۱۴۴	۴-۱-۲-۳- حفظ ایمان
۱۴۴	۴-۱-۲-۴- اثبات حقیقت
۱۴۵	۴-۱-۲-۵- محبوبیت
۱۴۶	۴-۱-۲-۶- افزایش دوستی و کاهش دشمنی
۱۴۷	۴-۱-۲-۷- پوشیده ماندن عیوب
۱۴۸	۴-۱-۲-۸- ایجاد فضای صمیمی و مسالمت آمیز در بین افراد
۱۴۸	۴-۱-۳- آثار اقتصادی
۱۴۸	۴-۱-۳-۱- دست یابی به خواسته های فردی از دیگران
۱۴۹	۴-۱-۳-۲- افزایش رزق و روزی
۱۴۹	۴-۱-۴- آثار اداری و اجتماعی
۱۴۹	۴-۱-۴-۱- موفقیت
۱۵۰	۴-۱-۴-۲- فائق آمدن بر مشکلات
۱۵۱	۴-۱-۴-۳- دوری از ذلت
۱۵۲	۴-۲- آثار اخروی
۱۵۲	۴-۱-۲-۱- سلامتی دین و دنیا
۱۵۳	۴-۲-۲- پاداش الهی
۱۵۵	خلاصه
۱۵۶	نتیجه گیری و پیشنهادها
۱۵۹	کتابنامه

پیشگفتار

الف) بیان موضوع:

از ویژگی‌هایی که در تحقق سازگاری، آرامش و موفقیت در زندگی نقش بسزایی دارد، «مدارا» است. کمتر عاملی را می‌توان یافت که در این حد بتواند در ایجاد و تثبیت این امور نقش ایفا کند. اساساً بدون مدارا نمی‌توان از زندگی لذت برد. این ویژگی برای عموم مردم، بویژه کسانی که در سمت مدیریت بخشی انجام وظیفه می‌کنند، ضروری و حیاتی است. این خصوصیت مدیر را قادر می‌سازد که در شرایط مختلف انعطاف پذیر باشد و افراد با سلاقی گوناگون را در جهتی که خود می‌خواهد هدایت کند و به کار گیرد. مدارا یکی از اصول اخلاقی است که نقش قابل توجهی در مدیریت ایفاء می‌کند. این امر در قرآن و نهج البلاغه و نیز آموزه‌های دینی از جایگاه والایی برخوردار است. مدارا به گونه‌های مختلفی در مدیریت ظاهر می‌گردد. مراد از مدیریت، تنها مدیریت سیاسی یا اداری نیست؛ بلکه مراد ما تمام حوزه‌های مدیریتی است و همه‌ی افراد به نوبه‌ی خود می‌توانند نقش مدیریتی داشته باشند.

ب) سوالات تحقیق: ۱- آیا مدارا اصل اساسی در مدیریت محسوب می‌شود؟ ۲- عوامل پیشرفت و شکست در مدیریت چیست؟ ۳- مدارا در مدیریت به چه شیوه‌هایی قابل اجراست؟ ۴- با چه کسانی، چگونه و در چه مواردی می‌توانیم از این اصل در مدیریت استفاده کنیم؟ ۵- آیا مدارا در تمام حوزه‌های مدیریتی قابل اجراست؟ ۶- برخورد مدیران با مخالفان چگونه باید باشد؟

ج) فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه‌ی اصلی: اصل اساسی اخلاق مدیریتی، مدارا با افراد است.

فرضیه‌ی فرعی: یکی از عوامل پیشرفت در زمینه‌های مختلف مدیریتی و حل بسیاری از مشکلات مدیریتی، محصول این امر می‌باشد. و برعکس، یکی از عواملی که بیشتر شکست‌ها و ناکامی‌ها از آن ناشی می‌شود، عدم کمک گرفتن از اصل مدارا در مدیریت و مسائل مهم زندگی است.

د) پیشینه ی تحقیق

پیشینه ی این بحث، ریشه در قرآن و سنت و سیره ی پیامبر و ائمه (علیهم السلام) دارد. نخستین گام ها، دوره ی حضور پیامبران و ائمه ی معصومین (علیهم السلام) برداشته شد. ایشان آغازگر این شیوه ی مدیریتی بودند.

رفق و مدارا از اموری است که در سیره سیاسی و اجتماعی پیامبر اسلام، چه در بعد داخلی و چه در بعد بین المللی اهمیت بسیاری داشته است. قرآن کریم مدارای پیامبر را این گونه می ستاید: « فَمَا رَحْمَةٌ مِنْ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ... ». (آل عمران، آیه ۵۹)

پیامبر رحمت مانند طبیب دلسوز برای طبابت روحی افراد، خود به سراغ آن ها می رفت. علی (ع) در این باره می فرماید: « وَ أَضَاءَ الطَّرِيقَ لِلْخَابِطِ، وَ هُدَيْتَ بِهِ الْقُلُوبَ بَعْدَ خَوَاضَاتِ الْفِتَنِ وَ الْإِثَامِ ». «

و راه حق را برای خطا کاران روشن نمود، و دل های فرو رفته در گرداب فتنه ها و گناهان را هدایت کرد ». (نهج البلاغه، خطبه ۷۲)

یکی از اصول اخلاق اسلامی که امامان (علیهم السلام) آن را سرلوحه ی شیوه های رفتاری خود قرار داده بودند، مدارا بود. آنان در رفتار خود با مردم، نرم و ملایم و گشاده رو بودند، و در برابر تندی های مردم تحمل داشتند، تحمل قهرمانانه ی آنان موجب شد که بسیاری از گمراهان به راه راست هدایت شده و به سوی اسلام جذب گردید.

پس از دوره ی حضور، دوره ی تدوین می باشد. در این دوره پیرامون این موضوع تحقیق جامعی به عمل نیامده است؛ ولی در برخی از فصول کتب منتشر شده به بخش هایی از این موضوع پرداخته شده است. در قرون اولیه آثار تدوینی کمتر دیده می شود؛ ولی در عصر حاضر به دلیل اهمیت موضوع، کتب و مقالاتی در این خصوص نوشته شده است. از جمله کتاب مدارا و مدیریت نوشته ی عبدالکریم سروش که در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۳ کتابی با عنوان مدیریت در اسلام به چاپ رسیده است، این مجموعه محصول

پژوهش گروهی، شامل سه فصل و هشت بخش است که در فصل سوم در خصوص ویژگی رهبران موفق بحث، و یکی از ویژگی های رهبران موفق "رفق و مدارا" عنوان شده است. این گروه مدارا را از اصول مهم و حیاتی اخلاق اجتماعی دانسته، و با الهام از بیانات قرآن کریم معتقدند که رفق و مدارا باعث می شود که نفوذ در دل ها قوی تر و موثرتر باشد. در پایان این فصل به آثار و پیامدهای رفق و مدارا در مدیریت اشاره شده است.

همچنین پایان نامه ای با عنوان مدیریت از دیدگاه قرآن و سنت و نیز مقاله ای با عنوان مدارا و مدیریت مومنان (درباره ی نسبت دین و دموکراسی و نقد نظر کسانی که جمع این دو را ممکن نمی دانند) نوشته شده است.

آن چه این تحقیق را از سایر تحقیقات متمایز می سازد، تمرکز بر نقش و جایگاه مدارا در گونه های مختلف مدیریتی (نه مدیریت خاصی) و تبیین نشانه های این امر است.

هـ) ضرورت و اهمیت بحث مدارا در مدیریت

۱- تفاوت های فردی و لزوم روابط اجتماعی: انسان ها در عین وحدت و توافق بر سر یک اصل، در برخی موارد متفاوت از هم می اندیشند. با توجه به این مسئله، اگر انسان ها نتوانند به اندیشه ی هم دیگر احترام بگذارند، حداقل باید هم دیگر را تحمل کنند. در این جا ضرورت مسئله ی مدارا احساس می شود.

۲- الگو بودن حاکمان

۳- وجود مشکلات و نیازها

۴- نیاز به آرامش و شادی

۵- مقتضای رسیدن به مطلوب

۶- مدارا و مأموریت انبیاء

۷- حساس بودن وضعیت سیاسی و دینی کشور

و) روش تحقیق: روش تحقیق ما به طور کامل کتابخانه ای می باشد. در این راه کتاب های فراوانی مورد مطالعه قرار گرفتند و پایه ی اصلی کار آیات قرآن کریم و خطب و نامه های نهج البلاغه می باشد. البته کتب روایی دیگری نیز مورد توجه و استفاده بوده است. در

تجزیه و تحلیل این یافته ها از کتب تفسیری و شرح های نهج البلاغه از قبیل شرح ابن ابی الحدید، شرح ابن میثم و... بهره گرفته ایم.

(ر) مشکلات تحقیق: دور بودن محل تحصیل و عدم دسترسی آسان و سریع به منابع غنی از مسائل عمده ای بود که امر تحقیق را با مشکل مواجه می ساخت.

گفتار نخست: مفهوم شناسی

۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی مدارا

مدارا در لغت به معنای رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن، سلوک، ملایمت، آرامی، آهستگی، نرمی، رفق، مامشات، تسامح، بردباری، تحمل، خضوع و فروتنی، مروت، ادب، ملاینه، لطف، مجاملت، سازگاری و شفقت آمده است. (ابن منظور: ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۲۵۴، دهخدا: ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۵۲۱)

در اصطلاح مدارا با عبارت های مختلفی تعریف شده است که به چند مورد اشاره می کنیم:

۱- مدارا به معنای وسیع کلمه عبارت از این است که هیچ کس را برای خاطر عقایدش تا موقعی که افکارش موجب و منشأ اعمال جنایی نگردیده، تنبیه نکنند. (راسل: ۱۳۸۷، ص ۶۰)

۲- مدارا از نظر اصطلاحی در دو معنای اخلاقی و سیاسی به کار رفته است. مدارای اخلاقی، مهربانی و عطوفت داشتن نسبت به بندگان خداست، مدارای سیاسی، تحمل عقاید مختلف و احترام به عقاید دیگران در عین قدرتمندی است. (روزبه: ۱۳۸۶، ص ۱۱۳ الی ۱۵)

در تعریف اول، مدارا با افکار مطرح شده است؛ ولی تعریف دوم، مدارا را در دو حوزه ی اخلاقی و سیاسی بیان کرده است. مدارا در حوزه ی اخلاقی شامل عموم بندگان خداست و مدارا در حوزه ی سیاسی با مفهوم تعریف نخست یکسان می باشد؛ با این تفاوت که در هر یک از تعاریف فوق قیودی ذکر شده است، در تعریف نخست قید عدم وقوع جنایت، و در تعریف دوم قدرت داشتن بیان شده است. در هر حال از تعاریف فوق بر می آید که اولاً: مدارا به عنوان يك اصل اساسی و ضروری است.

ثانیاً: مدارا تا موقعی است که به مصالح جامعه خللی وارد نشود و اصول اسلامی مختل نگردد. ثالثاً: مدارا به معنای ضعف نیست؛ بلکه به معنای تحمل توأم با احترام در عین قدرتمندی است.

بنابراین، از مدارا در اصطلاح همان معنای لغوی مراد است. مدارا یعنی پرداخت کمترین هزینه برای دفع دشمن و تبدیل معاند به مخالف و مخالف به موافق. مدارا یعنی تحمل جور و ستم مخالف، مادامی که امید به هدایت او هست و امید به اصلاح و دست برداشتن او از مخالفت وجود داشته باشد. مسلم است که مدارا در جایی صدق می کند که شخص قادر به رفتار خشونت آمیز است؛ ولی گزینه ی مدارا و ملایمت را انتخاب می کند.

بنابراین، مدارا آن است که شخص در عین قدرت برخورد قهر آمیز، با مخالفین از در مسالمت وارد شده و با آنان با مدارا برخورد می کند.

در مدارا مراد، دست کشیدن از اصول و به رسمیت شناختن عقاید مخالف نیست؛ بلکه صرفاً تحمل عقاید و رفتار مخالف تا حدی است که به اصول و ارزش ها آسیبی وارد نشود. سروش در بیان مدارا می نویسد: مدارا با اعتقاد ورزان است نه با اعتقادات. (سروش: ۱۳۷۶، ص ۳۱۰)

این تعاریف توصیه به صاحبان قدرت است تا مخالفان خود را تحمل کنند. ممکن است این سوال مطرح شود که آیا مراد از مدارا، عدم صلابت است یا نه؟ چون بنا به باور عوام صلابت یعنی به کارگیری خشونت، و خشونت معارض با مداراست. در پاسخ می گوئیم: مراد از مدارا عدم صلابت نیست و صلابت غیر از خشونت است. شهید مطهری در این باره می گوید: « فرق است میان خشونت و صلابت، این ریگ هایی که در کف نهرها هست، سالیان درازی آب مانده از رویشان عبور کرده و آن ها را ساییده است. وقتی انسان یکی از این ها را از کف نهری بر می دارد، می بیند که صلابت کرده و سخت است و از این جهت با سایر سنگ ها فرقی ندارد، اما آن چنان صاف است که انسان از لمس کردن آن كوچك ترین احساس ناراحتی نمی کند، تا از دست کشیدن روی آن سنگ. يك شمشیر صیقل داده شده، نرمش دارد به گونه ای که مثل فنر تاب می خورد، ولی در عین حال

صلابت هم دارد. مسأله ی صلابت داشتن، استحکام داشتن، شجاع بودن، نترسیدن از کسی غیر از خدا، غیر از مساله ی خشونت داشتن است. پیامبران در عین این که منت های تواضع و نرمش را در برخوردها و گفتارها و در اخلاق خودشان با مردم داشتند اما در راه خودشان هم قابل انعطاف نبودند، جز خدا از احدی بیم نداشتند، از احدی نمی ترسیدند.» (مطهری: ۱۳۸۳، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۳۵۶)

گاهی خشونت، به معنای قاطعیت و چشم پوشی از خطاهای مجرمان و متهمان به کار می رود، این کاربرد در مقابل رفتار سهل انگارانه مجریان قانون که باعث مخدوش شدن مقررات می گردد، اطلاق می شود. خشونت به این مفهوم در حوزه حقوق و اعمال قانون به کار می رود. (رشاد: ۱۳۸۷، ص ۷۵)

با این حال، خشونت به این معنا لزوماً با مدارا تنافی و تعارض ندارد. پیامبر (ص) قاطع ترین افراد بود و کسی قاطع تر از پیامبر نبود، اما قرآن می گوید:

« فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ». (آل عمران، آیه ۱۵۹)

به واسطه ی رحمت الهی با آن ها نرم خو و مهربان شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی، قطعاً از اطراف تو پراکنده می شدند.

۱-۲- معنای لغوی و اصطلاحی مدیریت

مدیریت مصدر جعلی مدیر است. مدیر در لغت اداره کننده ی کاری یا مؤسسه ای و یا سرپرست يك چیز یا يك کار؛ مدیریت در لغت پست و مقام مدیر، کاری که سرپرستی و اداره ی آن بر عهده ی کسی گذاشته شده است. (بندر ریگی: ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۰۰)

در اصطلاح از مدیریت تعاریف مختلفی ارائه گردیده است که به جرأت می توان گفت که به تعداد دانشمندان علم مدیریت، تعریف وجود دارد. در این جا به چند نمونه از تعاریف در این رابطه اشاره می کنیم: ۱- « هنر اداره ی مجموعه امکانات و استعداد های مادی و عنوی در يك سازمان بر اساس آگاهی های مناسب، به خاطر بهتر رسیدن به هدف را مدیریت می